



بررسی نقش سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

شهراد خلیلی پور^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی، رشته علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه امینی تبریز

اداره آموزش و پرورش منطقه تسوج

Khalilipour2003@gmail.com

۰۹۱۴۳۷۱۸۱۴۱

چکیده

هدف کلی این تحقیق بررسی رابطه بین سواد والدین و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان می باشد. مطالعه ی حاضر از نوع کتابخانه ای (مروری) است که در این راستا از منابع چاپی و دیجیتالی استفاده شده است. پیشرفت تحصیلی و عوامل موثر بر آن سالهاست که مورد توجه پژوهشگران حوزه آموزشی قرار گرفته است. با توجه به آشکار شدن پیشرفت تحصیلی در نظام آموزشی، شناسایی و بررسی عوامل موثر بر آن حایز اهمیت است. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی علی رغم دگرگونی های بسیار هنوز هم در رشد روانی بهنجار و انتقال ارزش های فرهنگی هر جامعه کارکرد اساسی را بر عهده دارد. سواد و تحصیلات والدین یکی از عوامل پیشرفت بشر در جهان امروز است. پیشرفت تکنولوژی، صنعت، بهداشت و علوم مختلف مدیون این عامل مهم است. والدینی که از تحصیلات بالاتری برخوردارند در منزل مشارکت بیشتری در امر آموزش فرزندان خود دارند و با دقت بیشتری تحصیل آنها را دنبال می کنند و کیفیت و نحوه ی کار معلم را تحت کنترل دارند، وجود رابطه ی نزدیک میان اولیای دانش آموزان و مدرسه یکی از کارآمدترین مکانیزم های پیشرفت تحصیلی فرزندان است. سواد و آگاهی والدین بر میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان تاثیر دارد، بطوری که دانش آموزانی که والدین آنها تحصیل کرده هستند در امر تحصیل موفق تر هستند زیرا والدین تحصیل کرده از طریق مشارکت در امر تحصیل، نظارت بر انجام تکالیف، داشتن نگرش مثبت نسبت به تحصیل و اهمیت آن، آگاهی از نیاز های دوران کودکی و نظایر آن می تواند موجبات پیشرفت فرزندان خود را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان، والدین

مقدمه

آموزش و پرورش یکی از قدیمی ترین نهاد های اجتماعی است که از بدو تشکیل زندگی گروهی انسان، در پاسخ به نیاز های انسان در روابط متقابل وجود داشته است. آموزش و پرورش رسمی از اوایل قرن حاضر به صورت یک نظام فراگیر، ابتدا جوامع پیشرفته و متعاقب آن سراسر جوامع در حال پیشرفت را فرا گرفته است و امروز جامعه ای نیست که این نظام در پیشرفت و تحول آن نقشی نداشته باشد (گلشن، ۲۰۰۲).

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی علی رغم دگرگونی های بسیار هنوز هم در رشد روانی بهنجار و انتقال ارزشهای فرهنگی هر جامعه کارکرد اساسی را بر عهده دارد و باید قوام و تحکیم جایگاه آن برنامه ریزی های جهانی- ملی و منطقه ای صورت گیرد. رشد و تکامل و فعال شدن استعداد ها و توانایی های هر شخص مستلزم وجود خانواده سالم، جامعه سالم و موقعیت (مجموع شرایط زمانی- مکانی موثر) سالم است و توأم بودن آن ها از ضرورت های آموزش و پرورش موثر است (شرعی نژاد، ۲۰۰۲).

پیشرفت تحصیلی به معنای یادگیری فرد است (سلیمان نژاد و شهر آرای، ۱۳۸۰). تحصیلات والدین می تواند نقش مهمی در امر تربیت فرزندان داشته باشد و والدین تحصیل کرده به دلیل احراز مشاغل بهتر و مفید تر به خودی خود از فرهنگ بالاتر و محیط و موقعیت بالاتر برخوردار خواهند بود و برخورداری از موقعیت خوب اجتماعی به نوبه خود تاثیر بر روی نگرش فرزندان نسبت به والدین و احساس امنیت و اعتماد به نفس آن ها می شود و در نتیجه بهتر می توانند با محیط خود ارتباط برقرار کنند و همین امر موجب رشد و شکوفایی استعداد آن ها می شود. در حالی که کودکی که والدین وی تحصیلات خوبی ندارند نه تنها نمی توانند به وجود آن ها افتخار کنند بلکه در خود احساس حقارت می کنند. در این کودکان ارتباط و تعامل از سایر کودکان کمتر است. البته تحصیلات به تنهایی نمی تواند عامل پیشرفت فرد محسوب شود، اما تحصیلات می تواند موجب آگاهی بیشتر و قرار گرفتن در وضعیت اجتماعی- اقتصادی بالاتر می گردد. همچنین در تحقیقات ثابت شده است که شغل و سطح اجتماعی والدین نیز رابطه مستقیمی با پیشرفت تحصیلی فرزندان آنها دارد (خیر و صغری، ۱۳۸۵).



نقش تحصیلات والدین در امر تربیت فرزندان و جلوگیری از بروز ناهنجاری ها، رعایت نظم و انضباط در خانه و جامعه، رشد شخصیت و اعتماد به نفس، عزت نفس و دوری از لغزش ها، داشتن هدف در زندگی، توانایی در برقراری روابط محبت آمیز، برخورد مودبانه با دوستان و همکلاسی ها و معلمان، پرورش احساس مسئولیت در برابر خانواده و جامعه، رعایت بهداشت فردی و نظافت عمومی، نگهداری و حفظ منابع طبیعی و اموال عمومی بسیار حساس و مهم است. در همین رابطه والدین می توانند بدین وسیله سرمشق و الگو و نمونه ی شایسته ای برای فرزندان خود باشند. سواد و تحصیلات خانواده یکی از عوامل مهم پیشرفت بشر در جهان امروز است. همچنین پیشرفت تکنولوژی و صنعت مدیون این عامل مهم است (پناهی، ۱۳۹۵).

تأثیرات والدین

انسان، چون موجودی اجتماعی است و در ارتباط با محیط های اجتماعی مختلف می باشد، از هر محیطی چیزی می آموزد تا از فرد بدون هویت تبدیل به شخص اجتماعی و دارای هویت اجتماعی گردد. طبیعی است که این فرد شهروندی مثر ثمر برای جامعه خویش می شود و در گذر از شخصی بدون هویت به شخص اجتماعی، فعالیت جامعه پذیری نسبت به وی اعمال می شود. امر جامعه پذیری توسط منابع مختلف بر روی انسان عملی شده و هریک بخشی از شخصیت فرهنگی و اجتماعی شخص را می سازند. در این بین خانواده در اکثر جوامع از جمله ایران بیشترین نقش را در رفتار ها و نوع فرزند پروری متبلور می شود (نیک گهر، ۱۳۶۹).

ارتباط خانوادگی

تجربه و آگاهی اولیه کودکان از انسان های دیگر در بافت خانواده شکل می گیرد. همچنین کیفیت فرآیند های دلبستگی و پیوند میان والدین و نوزاد در ماه های اولیه زندگی، برای بهداشت هیجانی فرد بسیار مهم و حیاتی است. خانواده عرصه مهم برای یادگیری درباره دنیا بوده و اجتماعی شدن کلی در آن روی می دهد. خانواده به عنوان در دسترس ترین سیستم حمایتی کودکان مد نظر قرار می گیرد. در نتیجه هر آنچه که این سیستم حمایتی را کمرنگ نماید (مانند تغییرات دوران بلوغ، جدایی پدر و مادر و یا بویژه سبک خانوادگی منفی) عوارض جانبی برای کارکرد های کودک، انطباق و هویت یابی او ایجاد می کند (حیدری، ۱۳۸۵). خانواده، پایه بنیادین اجتماع، سلول سازنده زندگی انسان و خشت بنای جامعه و کانون اصلی حفظ سنت ها، هنجار ها و ارزش های اجتماعی است، نهاد تاثیر گذاری که وظیفه جامعه پذیری و تربیت نسل آینده ساز را بر عهده دارد. خانواده از لحاظ تربیتی و اجتماعی دارای اهمیت و جایگاه ویژه ای است و بر این اساس دستیابی به جامعه سالم، وابسته به سلامت خانواده است و نیز تحقق سلامت خانواده وابسته به سلامت روانی میان اعضای آن است (امینی و حیدری، ۱۳۹۵). خانواده منسجم، توسط جو خانوادگی حمایتی و تفاهم و درک اعضای آن شناخته می شود که اعضای آن شناخته می شود که اعضای آن تمایل به درک و کمک برای بر طرف کردن نیاز ها و دغدغه های افراد خانواده دارند. انسجام خانواده یعنی با هم بودن اعضای خانواده که احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی نسبت به یکدیگر دارند (السون، ۲۰۰۰).

مسئولیت والدین در امر یادگیری

محیط خانواده، مدرسه فوق العاده ای است که می تواند استعداد های روانی اطفال را پرورش دهد و به آنها درس زندگی، شخصیت، رشادت، شهامت، بخشش و سخاوت را بیاموزد. همچنین بر عکس خانواده می تواند صفات زشت و رذیلت و انحراف و تربیت غلط را به کودکان آموزش دهد. علت اینکه مسئولیت پدر و مادر در امر یادگیری فرزندان حتی از مدرسه و محیط اجتماعی بیشتر است در روایات اسلامی کثیری بر آن تاکید شده است: ۱. نخست آنکه آواز تربیت و شکل گیری کودکان در خانه است.

۲. بیشتر زمان کودک در خانه گذرانده می شود. بنابر تحقیقات دانشمندان علوم تربیتی ساعاتی که کودک تا سنین حدود ۱۱ سالگی زندگی می کند در حدود ۹۵ هزار ساعت است که از این ساعات تنها ۵ هزار ساعت آن را در مدرسه می گذراند و مابقی آن را در خانه سپری می کند (پناهی، ۱۳۹۵).

شرایط یادگیری

خواندن و بطور کلی یادگیری، مستلزم وجود شرایط اولیه و ثانویه است. شرایط اولیه یعنی استعداد های نفسانی مانند هوش، حافظه، سلامت بدن. شرایط ثانویه مانند محیط مناسب، آرامش روانی که همه اینها به هر حال به والدین ارتباط دارند. والدین مهمترین افرادی هستند که می توانند روحیه



آموزشی و فرهنگی را در کودکان خود بر انگیزند. طی تحقیقاتی که انجام گرفته در مورد سوال "محرک تو در موفقیت مدرسه و مسائل آموزشی چیست؟" بین ۸۵٪ از موفق ترین دانش آموزان پاسخ دادند "والدینم". باید به این مساله توجه کنیم که آن ها نگفتند "پدرم" یا "مادرم" بلکه آنها مشترکاً والدین را در این امر شریک می دانند. در اکثر موارد، همکاری و تشریک مساعی پدر و مادر است که دانش آموزان موفق را بوجود می آورند (میر پناهی، ۱۳۹۵).

تفاوت محیط زندگی دانش آموز موفق و ضعیف

۱. برخورداری دانش آموز ساعی لز محیط گرم و با ثبات خانوادگی: در خانواده شاگردان پیشرفته اختلاف نظر و عقیده و جر و بحث های بیهوده که می تواند مولد اضطراب و نا آرامی در کودک گردد، کمتر وجود دارد. بطور کلی محیط خانوادگی آرام و پر تفاهم وجود دارد.
۲. برخورداری از وقت آزاد و توجه والدین: اولیاء شاگردان موفق بخصوص مادران آنها وقت بیشتری را برای تعلیم و تربیت آنها صرف می کنند و یا بیشتر به صحبت و بازی می پردازند و به او جرات اظهار نظر و عقیده و شرکت در تصمیم گیری می دهند. بنابراین محیط خانه و برنامه های زندگی خود را طوری تنظیم می کنند که به رشد و تعالی این تواناییها طی شود.
۳. توافق اولیاء در مورد مسائل تربیتی: در اکثر خانواده هایی که مورد مصاحبه قرار گرفته اند به نظر می رسد پدر و مادر در مورد مسائل تربیتی توافق دارند و کمتر اتفاق می افتد که پیشنهاد مادر و راه و روش او مورد سرزنش و انتقاد پدر خانواده قرار بگیرد.
۴. تحمل والدین در مقابل سر و صدا و ریخت و پاش کودک: اولیاء دانش آموزان موفق اکثراً در مورد سر و صدا و ریخت و پاش کودکان تحمل بیشتری در خود نشان می دهند، و یا اینکه به نظم و ترتیب خانه توجه دارند، اما شادی و آرامش کودک برایشان اهمیت بیشتری دارد و به آثار مثبت تربیتی بازی در رشد کودک واقف هستند و با تذکر سازنده آنها را متوجه می کنند. والدین این دانش آموزان، فرزندان را طوری عادت می دهند که پس از پایان بازی و کار های درسی به تناسب سن و توانایشان به مرتب کردن و نظافت محیط خود و اطراف خود بپردازند.
۵. تحمل اولیاء در ارتباط با اطاعت کودکان از بزرگسالان: اینکه هر دو دسته اولیاء نسبت به عدم اطاعت ک. دکان از پدر و مادر و بطور کلی بزرگسالان حساس بوده و هستند، ولی اولیاء کودکان ضعیف بطور محسوس کم تحملتر و حساستر از دسته دیگر هستند.
۶. عکس العمل اولیاء در مقابل انتظارات و توقعات فرزندان: والدین شاگردان موفق از قدرت تشخیص بیشتری برخوردار بوده و می توانند بدون ابراز خشونت، در مقابل توقعات زیاد فرزند خود مقاوم و با ثبات باشند درحالیکه والدین شاگردان ضعیف گاهی خشن و زمانی تسلیم و نامطمئن و متزلزل بنظر می رسند.

تحصیلات والدین

از آنجا که تحصیلات والدین می تواند نقش مهمی در امر تربیت فرزندان داشته باشند و والدین تحصیل کرده به دلیل احراز مشاغل بهتر بر روی زندگی فرزندان خود تاثیر بسزایی دارند. والدینی که تحصیلات عالی دارند از لحاظ اجتماعی دارای جایگاهی بالا می باشند و از طرف جامعه دارای احترام و عزت خاصی می باشند که والدین بی سواد و تحصیل نکرده دارای آن احترام و عزت نمی باشند. بنابراین ملاک انتخاب تحصیلات والدین و تاثیر آن بر روی پیشرفت تحصیلی فرزند آنها می گذارد به این دلیل منظور شده است که خانواده های با تحصیلات بالاتر فرزندان کمتری دارند و بنابراین بهتر می توانند با آن ها در ارتباط باشند و معمولاً وقت بیشتری برای رسیدگی به مسائل آن ها دارند. کودکی که در کنار بزرگسالان تحصیل کرده و اهل مطالعه و با حوصله، پرورش یافته و بزرگ می شوند مسلماً پیشرفت تحصیلی او از سایر کودکانی که از چنین محیط مساعدی بی بهره اند به مراتب بالاتر است (هالت، ۱۳۸۷).

بی سوادی والدین

بی سوادی والدین نیز یکی از پارامتر هایی است که می تواند در افت تحصیلی دانش آموزان موثر باشد، زیرا عدم توانایی والدین جهت کمک به فرزندان در امر تحصیل و نبودن پشتیبان در جهت راهنمایی فرزندان، می تواند سبب سردرگمی دانش آموزان و ایجاد اضطراب در او گردد. همچنین عدم اطمینان در مورد آنچه که دانش آموز انجام می دهد و نبود راهنما در منزل سبب می شود تا دانش آموز با اطمینان و یقین کامل نتواند به پیش رود. البته این مطلب کلیت ندارد و دانش آموزان با استعداد می توانند بدون راهنما نیز به سر منزل مقصود برسند ولیکن این موضوع، مربوط به دانش آموزانی است که دارای استعداد کمتری هستند و جهت پیشرفت نیاز به یاری دهنده دارند (میر پناهی، ۱۳۹۵).



پیشرفت تحصیلی

تعریف پیشرفت تحصیلی عبارت است از؛ موفقیت دانش آموزان در یک یا چند موضوع درسی (مثل : درک، فهم خواندن یا محاسبه عددی)، چنین پیشرفت هایی توسط آزمون های میزان شده تحصیلی اندازه گیری می شود. همچنین این اصطلاح بر پیشرفت فرد در کلاس، آن طور که در کار مدرسه ارزیابی می شود دلالت دارد. پیشرفت تحصیلی به جلوه ای (نمایی) از جایگاه تحصیلی دانش آموزان اشاره دارد که این جلوه ممکن است بیانگر نمره ای برای یک دوره، میانگین نمرات در دوره ای مربوط به یک موضوع یا میانگین نمرات دوره های مختلف باشد. برای پیشرفت تحصیلی می توان ملاک های گوناگون را در نظر گرفت که مشهورترین آنها میانگین نمرات کلاسی می باشد. از پیشرفت تحصیلی به عنوان یکی از شاخص های پیشرفت در نظام آموزش و پرورش مفهوم «انجام تکالیف و موفقیت دانش آموزان در گذراندن دروس یک پایه ی تحصیلی مشخص» یا «موفقیت دانش آموزان در امر یادگیری مطالب درسی» استفاده می شود. وجه مخالف آن افت تحصیلی است که یکی از معضلات نظام آموزشی می باشد که به شیوه های گوناگون همچون عدم موفقیت دانش آموزان در دستیابی به هدف های مقاطع تحصیلی مربوطه، مردودی و تکرار پایه های تحصیلی، ترک تحصیل زودرس، بیکاری و بلاتکلیفی خود را نشان می دهد (غلامی، ۱۳۹۵).

پیشرفت تحصیلی به معنی میزان یادگیری و یا اکتساب مهارتها و یا دانشی است که برای یک مقطع و یا سن بخصوصی وضع شده و بوسیله آزمونهای مربوطه قابل اندازه گیری باشد. پیشرفت در هر حرفه و یا دانش لازمه یک زندگی موفق برای آینده هر فرد می باشد. معمولا از خرد سالان، نوجوانان و جوانان هر جامعه ای انتظار می رود که در امر یادگیری یک حرفه و یا یک رشته تحصیلی برای یک زندگی توأم با موفقیت در آینده کوشا باشند. عدم موفقیت در پیشرفت تحصیلی و یا یادگیری هر حرفه ای می تواند ناشی از عوامل گوناگونی چون عوامل اجتماعی، عوامل اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی و در نهایت عوامل روانی باشد. اگر چه همه عوامل ذکر شده در پیشرفت تحصیلی و یا آموختن حرفه بسیار موثر هستند اما بسیاری از اوقات علی رغم مهیا بودن همه عوامل پیشرفتی حاصل نمی شود. و این عامل چیزی جز عوامل روانشناختی نیست. پیشرفت تحصیلی معلومات یا مهارت های اکتسابی عمومی یا خصوصی در موضوع های درسی است که معمولاً بوسیله آزمایش ها یا نشانه ها و یا هر دو که معلمان برای دانش آموزان وضع می کنند، اندازه گیری می شود. همانطویکه در تعریف پیشرفت تحصیلی مشاهده می شود، مفاهیم و مقوله های پیشرفت تحصیلی را می توان شامل دو مفهوم معلومات یا دانش و اطلاعات و مهارت ها دانست که علت عنوان موضوعات درسی در نظام آموزشی ارائه می شود. پس ما برای عملیاتی کردن پیشرفت تحصیلی و سنجش آن باید به دو مشخصه فوق توجه داشته باشیم. در زمینه سنجش پیشرفت تحصیلی به نظر دکتر سیف آزمون های پیشرفت تحصیلی مقدار دانش و اطلاعات و مهارت هایی که فرد تا لحظه اجرای آزمون کسب کرده است، اندازه می گیرند. منظور از مهارت، تخصص ها و صلاحیت هایی است که فرد از طریق آموزش و یادگیری آن را بدست می آورد. به این ترتیب می بینیم که در تعریف آزمون پیشرفت های تحصیلی توجه خاصی به تعریف پیشرفت تحصیلی بعمل آمده است (غلامی، ۱۳۹۵).

معیارهای پیشرفت تحصیلی

در مورد معیارهای پیشرفت تحصیلی باید گفت که پیشرفت تحصیلی از راههای مختلف و با معیارهای متفاوت مشخص می شود، یکی از این معیارها معدل دانش آموزان در یک نیم سال تحصیلی و محاسبه معدل یک سال وی است. معیار دیگر مشخص کردن پیشرفت تحصیلی، محاسبه نمرات دانش آموزان در یک درس است. شیوه دیگر استفاده از مجموعه نمرات دروس یک سال می باشد و معیار آخر تعیین پیشرفت تحصیلی در طی چند سال و یا یک دوره تحصیلی است. اگر یک نمره از یک دوره تحصیلی یا میانگینی از یک گروه از دروس مختلف در حیطه ی موضوعی خاص یا میانگینی از دوره های مختلف تحصیلی، ملاکی برای پیشرفت تحصیلی باشد، این ملاک ها مسائل و مشکلات تشخیصی را به دنبال خواهد داشت. مثلاً کاربرد یک نمره واحد از یک دوره تحصیلی ویژه دارای روایی و پایایی کمتر است تا نمره ای که بر اساس ترکیب چندین نمره بدست می آید. کاربرد نمره های بدست آمده از دوره های مختلف تحصیلی در موضوعات مختلف نیز به منظور بدست آوردن معدل نمرات کلاس مسأله ای دشوار و غامض است، زیرا این گونه نمرات شامل نمرات است که از دوره ها و رشته های تحصیلی متفاوت بدست آمده است و در یک مقیاس واحد ترکیب شده اند، در صورتی که هر یک از دانش آموزان می توانند سطوح متفاوتی از پیشرفت را در هر موضوع داشته باشند. به نظر می رسد که پذیرش یک مقیاس چند بعدی از پیشرفت به جای مقیاس یک بعدی از پیشرفت تحصیلی، مفیدتر است. این بدین دلیل است که میانگین نمرات کلاسی برای هر مجموعه از دوره های تحصیلی پیش بینی کننده بهتری از پیشرفت تحصیلی می باشد تا ترکیب مجموعه ای از دروس متفاوت تحصیلی در یک مقیاس واحد. به هر حال می توان مقیاس های پیشرفت یک فرد را در یک حیطه ی خاص مانند : ریاضیات، علوم، تاریخ و ادبیات و غیره تحت عنوان معدل کلاسی ویژه طبقه بندی کرد. در حالی که مقیاس های معدل کلاسی عمومی به پیشرفت فرد در همه موضوعات اشاره می کند. از طریق انتخاب یک مقیاس های معدل کلاسی ویژه این امکان وجود دارد که پیشرفت تحصیلی هر فرد در یک گروه ویژه از موضوعات مربوطه



تعیین کرد، ولی زمانی که «معدل کلاس عمومی» به کار برده می شود امکان پیگیری پیشرفت فرد در حیطه های موضوعی مختلف وجود ندارد. خلاصه اینکه میانگین نمرات کلاسی، ملاکی رایج برای اندازه گیری پیشرفت تحصیلی می باشد. پیشرفت تحصیلی را به صورت های مختلفی تعریف کرده اند. در نظام آموزشی، پیشرفت تحصیلی را جلوه ای از جایگاه تحصیلی دانشجو می داند که ممکن است بیانگر نمره ای برای میانگین نمرات در دوره های مربوطه به یک موضوع و یا میانگین نمرات دوره های مختلف باشد. یک مدل کلی را برای بیشتر پژوهش های مربوط به پیشرفت تحصیلی ارائه داده اند. آن یک اندازه گیری چند بُعدی در پیشرفت تحصیلی عمدتاً شامل سلامت روانی، متغیرها و ویژگی های مشخص شخصیتی، استعداد و توانایی افراد، انگیزه، خود پنداره افراد، موقعیت و محیط خانواده، امکانات آموزشی و سواد والدین است (غلامی، ۱۳۹۵).

روش شناسی

این مقاله پژوهش به لحاظ هدف جزء تحقیقات کاربردی است که به روش کتابخانه ای (مروری) انجام گرفته است.

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد که همه اثر های مستقیم مثبت بوده و اثر تحصیلات والدین بر فعالیت های یادگیری اولیه معنا دار نمی باشد. تاثیر غیر مستقیم تحصیلات والدین بر توانایی های خواندن اولیه و فعالیت های یادگیری اولیه منفی بوده و تحصیلات والدین تاثیر معناداری بر پیشرفت سواد خواندن داشته است. همچنین تاثیر تحصیلات والدین بر توانایی های اولیه مثبت و غیر معنادار و بر پیشرفت خواندن مثبت و معنادار بوده است. تاثیر کتاب های موجود در خانه بر عملکرد سواد خواندن و توانایی های یادگیری اولیه مثبت و معنادار و تاثیر این متغیر بر فعالیت های یادگیری اولیه غیر مثبت و غیر معنادار بوده است. اثر آن بر توانایی خواندن اولیه منفی بوده است. اثر فعالیت های یادگیری اولیه بر عملکرد سواد خواندن و فعالیت های یادگیری اولیه مثبت بوده است و تاثیر آن بر عملکرد سواد خواندن منفی برآورد شده است (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۱). بین وضعیت تحصیلی دانش آموزان و سطح تحصیلات مادران تفاوت معنی داری مشاهده نشد ولی بین سطح تحصیلات پدران با وضعیت تحصیلی فرزندان رابطه معنی درای وجود داشت (لاریجانی، ۱۳۹۳). تحصیلات والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان به عنوان امری غیر قابل اجتناب محسوب می شود. به نظر می رسد والدینی که دارای تحصیلات بالاتری می باشند از فرزندان خود نیز چنین انتظاری خواهند داشت، بنابراین الگوی بهتری برای فرزندان محسوب خواهد شد، به نحوی که این امر به طور ناخودآگاه در فرزندان این حس را ایجاد خواهد کرد تا همچون والدین خود تلاش و کوشش بیشتر و عملکرد بهتری از خود در امر تحصیل نشان دهند. نتایج پژوهش حاضر نیز حکایت از همین مساله داشت، دانشجویانی که والدین آن ها از تحصیلات بالاتر برخوردار بودند، وضعیت تحصیلی مطلوب تری داشتند (رحیمی پردنجانی و همکاران، ۱۳۹۳). دانش آموزانی که والدین آن ها از سطح سواد بالاتری برخوردارند از پیشرفت تحصیلی بیشتری برخوردارند و نیز مشکلات تحصیلی کمتری دارند. در مقابل دانش آموزانی که والدین آن ها از سطح سواد پایینی برخوردارند از پیشرفت تحصیلی کمتری برخوردارند و افت تحصیلی بیشتری از خود نشان می دهند (کوشکی، ۱۳۹۳). میزان تحصیلات والدین در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیر بسیار زیادی دارد و دانش آموزانی که در خانواده های کم سواد و بی سواد زندگی می کنند، افت تحصیلی دارند (علی پور و همکاران، ۱۳۹۴).

منابع

امینی، مهسا و حیدری، حسن (۱۳۹۵). بررسی اثر بخشی آموزش غنی سازی روابط بر ارتقا کیفیت زندگی زناشویی دانشجویان متأهل، مجله آموزش و سلامت جامعه ۳(۲): ۳۱-۲۳.

حیدری، اکرم (۱۳۸۵)، بلوغ و مشکلات روانی نوجوان و جوان، افت تحصیلی، نشر گستر تهران

خیر، محمد و صغری، استوار (۱۳۸۵)، بررسی رابطه سبک های تفکر و برخی شاخص های طبقه اجتماعی با پیشرفت تحصیلی، دانشور رفتار، ۱۱۳(۲): ۶۲-۵۵.



رحیمی پردنجانی و همکاران، سجاد(۱۳۹۳)، بررسی عوامل موثر در افت تحصیلی دانشجویان ساکن خوابگاه دانشکده های پیرا پزشکی و بهداشت دانشگاه علوم پزشکی گلستان، فصلنامه علمی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه، دوره دوم، شماره ۱۰، بهار ۱۳۹۳.

سلیمان نژاد، اکبر و شهرآرای، شهناز(۱۳۸۰)، ارتباط منبع کنترل خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی، روانشناسی و علوم تربیتی ۲(۳۱)، ۱۷۵-۱۹۸.

علی پور و همکاران، لیلا(۱۳۹۴)، بررسی تاثیر سطح سواد والدین بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر پایه دوم دبیرستان های نوبت دوم شهرستان شادگان، دومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شادگان

غلامی، شهناز(۱۳۹۵)، تاثیر طرح خوشه ای بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره دوم ابتدایی منطقه ۱۴ شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگام امام(ره)

قاسمی و همکاران، محمود(۱۳۹۱)، تاثیر سواد والدین بر عملکرد سواد خواندن دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی (بر اساس مطالعات پرلز) ۲۰۰۶، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران، دوره ششم، سال بیستم، شماره ۲

کوشکی، فاطمه(۱۳۹۳)، پایان نامه: نقش سواد والدین در پیشرفت تحصیلی

لاریجانی، محمد(۱۳۹۳)، نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره راهنمایی شهر تهران، فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال دهم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۹۳

میرپناهی، لیلا(۱۳۹۵)، بررسی تاثیر سطح سواد والدین بر یادگیری دانش آموزان ابتدایی شهر ایلام، فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۲(۲)، ۳۰-۲۲

Gulshan FR. [Sociology of education].Tehran:Dydavr; 2002.P.155-65.(Persian)

Sharynzhad AA.[Philosophy of education].Tehran:AmirKabir;2002.P.2705.(Persian)

Elson, Andrew (2000): A preliminary study into student teacher understandings. Journal of educational research, Vol 51, No 1, PP 39-73.